

■ سمانه صادقی
سخن از جرایب و چگونگی سقوط سلطنت پهلوی، در سال جاری که با چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی تقارن داشت،بازاری گرم یافت.این مقوله به دلیل اهمیت آن،کماکان در زمره اولویت های سرویس تاریخ «جوان» خواهد بود.در گفت وشنودی که پیش روی دارید،دکتر شهریار زرشناس در این باره رشته سخن را به دست گرفته است.امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب و علاقه‌مندان را مفید ومقبول آید.

■ ■ ■

پیش از آغاز بحث در خصوص علل و عوامل پیدایش رژیم پهلوی بفرمایید اساساً این رژیم چطور به قدرت رسید؟

بسم الله الرحمن الرحیم. شاید رژیم پهلوی اولین حکومت در کل تاریخ ایران است که ظهور و حاکم شدنش بر مقدرات یک کشور نتیجه فرآیندهای طبیعی تاریخ مان نبوده است. عمده سلسله‌های شاهی قبل از پهلوی از میان اقوام و قبایل بودند یا سلسله‌هایی بودند که ظهور و خاستگاه‌هایشان علل داخلی داشته است. مثلاً ایلی یا قبیله‌ای قدرت نظامی پیدا می‌کرد و بعد منطقه‌ای را می‌گرفت و دامنه متصرفاتش را گسترش می‌داد و تبدیل به یک حکومت می‌شد. عمدتاً هم حکومت‌های محلی و منطقه‌ای بودند، جز در دوره‌های خاصی از تاریخ ما، مثل دوره صفویه که به طور مشخص دوره‌ای است که ما یک حکومت تقریباً سراسری داریم که بر بخش عمده‌ای از آنچه ما فلات ایران می‌نامیم، سلطه دارد.

اما در مورد پهلوی ماجرا به شکل دیگری است. رژیم پهلوی اولین رژیم در تاریخ ایران است که روی کار آمدنش مستقیماً و مشخصاً برگرفته از سیاست‌های خارجی بود، یعنی اساساً روی کار آمدن حکومت پهلوی در ایران نتیجه سیاست‌های نظام جهانی سلطه در این منطقه و در شرایط خاص ایران بود. نظام جهانی سلطه با نظام جهانی غرب مدرن از اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم به‌طور کامل عینیت پیدا کرده و فراگیر شده بود و تمام نقاط کره زمین را به نوعی با تحت کنترل قرار داده بود یا می‌خواست تحت کنترل قرار دهد. در آن پروژه ایجاد نظام جهانی، عده‌ای از کشورهای سرمایه‌داری متروپل در مقام دولت‌های مستکبر و مرکزی و مدیر بودند و همه دنیا هم قرار بود به صورت کشورهای پیرامونی تحت سلطه آنها دربیایند و استثمار و غارت سیستماتیک شوند، در چنین فضایی این‌ها به‌سرّاع ما هم در ایران آمدند.

انگیزه امپریالیسم غرب برای روی کار آوردن پهلوی چه بود؟

نظام جهانی سلطه می‌خواست در ایران نوعی پروژه شبه‌مدرنیزاسیون را اجرایی کند. همه این‌ها به دنبال آن بودند که ایران را به شکل نصفه و نیمه و در مرزهای به یک کشور شبه مدرن بدل کنند. از این روز رژیم پهلوی را می‌توان تجسم اراده سیاسی غرب‌زدگی شبه‌مدرن در ایران دانست. اگر بگوییم غرب‌زدگی شبه‌مدرن در ایران یک اراده سیاسی است، درازده پهلوی است و رژیم پهلوی در مقام تجسم این اراده سیاسی وقتی که با کودتای رضاخان و سلطنت پهلوی در سال ۱۳۰۴ به قدرت می‌رسد، دقیقاً به این دلیل اقتصادی و فرهنگی شبه مدرن را در ایران اجرا می‌کند. هر فرمایشون و صورت‌بندی کلان اجتماعی و اقتصادی‌ای یک ساخت اصلی و ده‌ها ساخت فرعی دارد که ساخت اصلی آن ساخت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. رژیم پهلوی تجسم ساخت سیاسی شبه مدرنیتبه بود که باید ساخت‌های اقتصادی و فرهنگی را هم عینیت می‌بخشید و به وجود می‌آورد و همین کار را می‌کند.

پروژه تغییر ساختار اقتصاد ایران از چه زمان آغاز شود؟

در سال ۱۲۷۰ هـ ق اولین نشانه‌های ورود تأثیرگذار سرمایه‌های خارجی به ایران را مشاهده می‌کنیم و اولین نما‌بندی‌های سرمایه‌های خارجی در ایران شکل می‌گیرند. یعنی نسل اول سرمایه‌داران روشنفکر ایرانی، کسانی مثل صنیع‌الدوله و امین‌الضرب نخستین کسانی هستند که نمایندگی‌های کمپانی‌های خارجی را در ایران به عهده می‌گیرند و سرمایه‌های خارجی وارد اقتصاد ایران می‌شود و شروع می‌کند به تأثیر گذاری در اقتصاد ایران تا نوعی اقتصاد شبه‌مدرن برای ما تأسیس، تعریف، اجرا و نهاده‌ی شود. از سال ۱۳۰۴ که رضاخان به سلطنت می‌رسد، بلافاصله فرآیند تأسیس نوعی اقتصاد شبه‌مدرن در ایران شروع می‌شود که با عملیات داور و تغییراتی که در ساختار اقتصادی ایران ایجاد می‌کنند، شروع می‌کند به عینیت بخشیدن به اقتصاد شبه مدرن در ایران. در سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۵ شروع می‌شود و در سال ۱۳۴۱ و انقلاب سفید کدابی شاه به نقطه پایان و کامل می‌رسد. یعنی این‌ها از سال ۱۳۰۴ حرکتی را شروع و نزدیک به ۴۰ سال مناسبات اقتصاد سنتی ما قبل شبه مدرن ایران را کلاً عوض می‌کنند. این یک فرآیند است که از سال ۱۳۰۴ شروع می‌شود. البته از سال‌های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ کاملاً شاهد این دگرگونی و تحول در مناسبات اقتصادی هستیم. این‌ها در بحث فرهنگ هم پروژه تغییر ساخت فرهنگی ایران و تغییر ذائقه فرهنگی مردم ایران را دنبال کردند.

ساختار اقتصادی شبه مدرن چه مصائبی را بر اقتصاد ایران وارد ساخت؟

اقتصاد سنتنی ما قبیل از شبه مدرن شدن ایران ضعف‌های زیادی داشت و نقدهای زیادی بر آن وارد است. مناسبات زمین‌داری و ارباب و رعیتی بود، اما یک ویژگی مهم داشت که یک اقتصاد خودکفا و مستقل بود، یعنی در درازای تاریخ این اقتصاد به هر حال توانسته بود معاش مردمان این سرزمین را بدون در یوزگی از بیگانه ی‌آیناز به اینکه به خارج وابسته باشم یا بدون خارج نتوانیم زندگی کنیم، تأمین کند و به‌رغم تمام ضعف‌هایی که داشت به صورت مستقل ما را تأمین سازد. نمی‌گوییم اقتصاد سنتنی ماقبل اقتصاد شبه مدرن ایران اقتصادی عالی بود که هیچ ضعفی

نداشت، ولی به هر حال خودکفایی ما را حفظ و جامعه ایران را در درازای تاریخ با آن سیر کرده بود. اگر هم قرار بود تحولی رخ بدهد، باید از متن و تاریخ خود ایران و خود اقتصاد برمی‌خاست و اقتصاد را دگرگون می‌کرد.

اما کاری که رژیم پهلوی کرد این بود که یک اقتصاد شبه‌مدرن را به ایران آورد و مناسبات اقتصاد شبه‌مدرن را در ایران حاکم ساخت. مشکل اینجا بود که تغییر در اقتصاد ماقبل شبه مدرن ایران به این جهت ایجاد نشد که اقتصاد ایران بهتر شود، زندگی مردم تغییر کند، آسایش و رفاه ایجاد کند یا در پی آن نبود که سطح اقتصادی ما ارتقا پیدا کند، بلکه کاملاً بالعکس. ماجرا این بود که چون نظام جهانی سلطه نیاز داشت که ایران را هم در اقتصاد جهانی ادغام و از نظر اقتصادی و جهات دیگر به یک کشور وابسته تبدیل کند، دقیقاً به این دلیل رژیم پهلوی به صورت سیستماتیک شروع به تخریب اقتصاد سنتنی یعنی اقتصاد ماقبل اقتصاد شبه مدرن و آن را جایگزین اقتصاد سنتی کرد.

پروژه تغییر ساختار فرهنگی ایران از چه زمان آغاز شد و پایه‌گذارانش چه کسانی بودند؟

این پروژه دقیقاً از زمانی که استعمار غرب مدرن به صورت سیستماتیک وارد ایران می‌شود، یعنی از سال ۱۲۱۵هـ ق شروع می‌شود. اساساً پروژه تغییر ذائقه و ساخت فرهنگی ایران با تأسیس روشنفکری ایران شروع می‌شود. یعنی وقتی استعمار وارد می‌شود، نخستین هسته‌های روشنفکری را در ایران تأسیس می‌کند و بعد به صورت یک روند و جریان درمی‌آید و این روند جلو می‌آید و نسل‌های متعددی را طی می‌کند. نسل اول روشنفکری ایران کسانی مثل میرزا عسگرخان ارومی افشار، میرزا صالح شیرازی، به خصوص میرزا ابوالحسن خان ایلمچی، حسین قلی‌اقا، فرخ‌خان امین‌الدوله غفاری و... هستند که مستقیماً دست پرورده لژهای ماسونی‌اند. برای اثبات این امر می‌توانید به خاطرات میرزا ابوالحسن شیرازی و به‌سفرنامه میرزا صالح شیرازی و به آنچه حسین قلی‌اقا می‌گوید و به دیداری که کنتدوگوبینو با او داشت، رجوع کنید. از طرفی نسل دوم این جریان خیلی قوی‌تر از نسل اول است. در نسل دوم چهره‌های معروفی مثل میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، آخوندزاده، طالبوف، میرزا حسین‌خان مستشارالدوله تبریزی، میرزا حسین‌خان سپهسالار و... وجود دارند. به هر حال زمانی که رژیم پهلوی سر کار می‌آید، نسل سوم روشنفکری شبه مدرن ایران ظهور می‌کند؛ نسلی که می‌توان آن را نسل روشنفکران دوره رضاشاهی دانست. کسانی مثل سعید نفیسی، علی‌دستغی، علی‌اکبر سیاسی، حسن پیرنیا، حسین پیرنی،علی‌اصغر حکمت، محمدعلی فروغی، اردشیر رپیورت‌رجی و... این‌ها هم در زمینه‌سازی و روی کار آمدن رژیم پهلوی نقش دارند هم خودشان در مقام کارگزاران فرهنگی و چه بسا کارگزاران سیاسی و مدیران بوروکرات و چهره‌های تکنوکرات رژیم پهلوی هم در گیر هستند. عمدتاً در دوره پهلوی اول و بخشی مثل علی‌دشتی به دوره پهلوی دوم می‌رسند. به این ترتیب می‌بینیم یک ساخت فرهنگی شبه مدرن و یک ساخت اقتصادی شبه مدرن توسط رژیم پهلوی که خودش تجسم ساخت سیاسی شبه مدرن است، در کشور پدیدار می‌شود.

این ساختار فرهنگی شبه‌مدرن چه پیامدهای منفی داشته و چه تأثیری در سقوط پهلوی گذاشت؟

مشکل اینجاست که در ساخت فرهنگی شبه مدرنی

که روشنفکران متجددمآب در ایران بانیان اولیه آن هستند وقتی رژیم پهلوی سر کار می‌آید، بخشی از همین روشنفکران قسمتی از این پروژه را عملیاتی می‌کنند. فرهنگ شبه مدرن که رژیم پهلوی آن را در ایران نهادینه می‌کند یک فرهنگ سکولارستی است که با کلیت هویت فرهنگی جامعه ایران، تاریخ و باور مردم ایران به‌طور کامل ناسازگار است، هم دینی است و ایرانیان قبل از اسلام هم همیشه دین‌خواه بودند. بنابراین فرهنگ سکولار شبه مدرن ایرانیان را به موجوداتی منفعل، مقلد غرب مدرن، فاقد اعتماد به نفس و وابسته تبدیل کرده بود. فرهنگ شبه مدرن در ایران نوعی خودمداری بیمارگونه را پدید آورده بود که نسخه‌ای تقلیدی از فردیت‌انگاری لیبرالی است و به این شکل احساس مسئولیت اجتماعی، احساس مسئولیت اخلاقی، روح آزادی‌خواه و میل به ایثارگری و فداکاری و از خودگذشتگی و دنبال کردن آرمان‌های بلند را به شکلی سیستماتیک در جامعه ایرانی تضعیف می‌کرد یعنی شاکله فرهنگی رژیم پهلوی موجب تشدید بحران در فضای فرهنگی -اجتماعی ایران می‌شد.

اجرای پروژه مدرنیزاسیون غرب چطور سبب سقوط رژیم پهلوی شد؟
علت اصلی شکست سلسله پهلوی این است که پروژه شبه مدرن در ایران بحران‌سازی و در نهایت



د

زرشناس : تکیه اصلی ار تجاع شبه مدرن در مواجهه با افکار عمومی جامعه، روی ایدئولوژی ناسیونالیسم باستان گرا و پروژه اصلی آن فعلا تطهیر رژیم پهلوی است منتها اگر بتوانیم با جریان ار تجاع شبه مدرن نئولیبرال ناسیونالیست اصلاح طلب مقابله کنیم، شانسسی برای پیروزی ندارند



سمانه صادقی

جرایی و چگونگی پایان دوره پهلوی‌ها در گفت‌وشنود «جوان» با دکتر شهریار زرشناس

گزارش‌های کمیسیون شاهنشاهی آئینه فسادسیستماتیک است

هم چون بحران و نارضایتی تولید می‌کند، فرو می‌یاشد. بحران‌هایی که رژیم پهلوی با آنها مواجه می‌شود، بحران‌های کلان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است و هر سه این بحران‌ها دقیقاً به خصیصه شبه مدرن بودن این رژیم برمی‌گردد. لذا در شرایطی که جامعه ایرانی نه استقلال اقتصادی، نه توانمندی فرهنگی و نه استقلال سیاسی، نه عدالت و نه رفاه داشت و دچار بحران‌های فرهنگی و از خود بیگانگی و خودباختگی هم بود، طبیعی بود که این جامعه انقلاب کند.

با توجه به برنامه‌ریزی طولانی مدتی که غرب برای پروژه جهانی‌سازی و مدرنیزاسیون ایران کرده بود، چطور نتوانست این قیام را پیش‌بینی و از آن جلوگیری کند؟

نظام سلطه هر جا می‌رفت پروژه شبه مدرن را اجرایی می‌کرد تا بتواند منافع خود را تأمین کند اما این پروژه چون در تضاد با منافع و خواست و استقلال و آزادی‌گی و هویت ملی ملت‌ها قرار می‌گرفت، خود به خود اعتراض ایجاد می‌کرد. این قیام‌ها با تفاوت‌های فرهنگی و هویتی در جاهای دیگر هم رخ داده‌اند. مگر مردم ویتنام سه دهه علیه استعمار مبارزه نکردند تا به استقلال برسند؟ مگر در اندونزی سوهارتو را در مقابل سوارکازو مدل سیاسی جدید را جایگزین آن کند.

اما سلطنت‌طلبان امروزه از طریق رسانه‌ها نشان تصویری رؤیایی از آن دوران به نسل جوان ارائه می‌کنند.

برای کسانی که می‌خواهند تصویر ایده‌آلی از رژیم شاه داشته باشند چند مثال می‌زنم. به سینمای دهه ۵۰نگاه کنید و بعضی از فیلم‌هایی را که نام آنها را نمی‌برم مرور کنید، به‌خصوص ۳سال‌های ۱۳۵۱ به بعد را ببینید. یکی از درونمایه‌های اصلی این سینما فارغ از بحث‌های فحشا، فساد، بی‌بند و باری‌ها و جنسی که در سینماست ـ منظورم درونمایه‌های اجتماعی است ـ در بسیاری از فیلم‌ها، از جمله «ماهی‌ها در خاک می‌میرند»، «رضا منووری» و... در تضاد طبقاتی پررنگ، ناخشنودی از این تضاد طبقاتی، فاصله شدید بین فقیر و غنی و خشم شدید است. به نظر من سینما و ادبیات دهه ۵۰:از این نظر بسیار گویاست.

در دیگر عرصه‌های هنر هم می‌توانید به نمونه‌هایی اشاره کنید؟

بله، مثلاً به ادبیات داستانی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ و آثار افرادی چون محمود دولت‌آبادی، علی اشرف درویشیان، صمد بهرنگی، غلامحسین ساعدی و... مراجعه کنید. کسانی که می‌گویند ایران قبل از انقلاب بهشت بود، داستان‌های همین دولت‌آبادی را که الان یک روشنفکر داستان‌نویس نئولیبرال است و قبل از انقلاب تمایلات چپ داشت، بخوانند. قصه‌هایی مثل «وسنه بابا سیحان»، «سفر»، «گاو ربان»، «عقلمن غیل»، «جای خالی سلوچ» و... تکتک این آثار لبریز از تصاویر فقر، بی‌عدالتی، ظلم، استبداد، ویرانی روستاها و ویرانی تولید است. یا علی اشرف درویشیان که هم قبل و هم بعد از

انقلاب چپ‌گرای مارکسیست بود داستان‌های قبل از انقلاب او «آبشوران»، «همراه آهنگ‌های بایام» یا داستان‌های بعد از انقلابش «سال‌های ابری» و امثالهم را بخوانند. فضا لبریز از فقر و ظلم است. نوشته‌های غلامحسین ساعدی، صمد بهرنگی و... را بخوانند.

«۲۴ ساعت خواب و بیداری» صمد بهرنگی چیست؟ روایت خانواده‌ای است که دقیقاً در اثر انقلاب سفید کدابی دچار فقر شدند، خانه و خانمان خود را از دست داده و به شهر آمده‌اند و فاصله طبقاتی را به وضوح می‌بینید و تازه دارد تئوری جنگ مسلحانه را هم تبلیغ می‌کند، بچه روستایی که کودک متعلق به طبقه مرفه شهری را می‌بیند که دارد اسلحه اسباب‌بازی پشت شیشه را می‌خرد و با خود می‌گوید که ای کاش آن اسلحه مال من بود. این دقیقاً خشم است. آثار داستانی رضا برهانی درباره قبل از انقلاب را ببینید. «روزهای دوزخی آقای ایاز» او را بخوانید. همین‌طور داستان‌های بعد از انقلاب او را که دارد روزگار قبل از انقلاب را توصیف می‌کند، مثل «رازهای سرزمین من» را بخوانید. من دارم از نویسندگان سکولار و شبه مدرن مثال می‌زنم که نتوانید بگویید این حرف‌ها را طرفداران انقلاب و جمهوری اسلامی دارند می‌زنند یا گزارش‌های روزنامه‌ها از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۷ را مرور کنید. گزارش‌های این ۱۰ سال لبریز است از اخبار تورم، کساد، قطع برق و صف‌های طولانی. در سال ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ قطع برق‌های طولانی و صف برای گوشت و کالاهای اساسی داشتیم. حتی برنامه‌های طنز تلویزیونی آن زمان را هم ببینید کاملاً مشخص است چه وضعیتی بوده است. برنامه طنز «آقای مربوطه» که در سال ۱۳۵۳ از تلویزیون پخش می‌شد و بعد از مدت کوتاهی قطع شد، بر نامه طنز «شبه‌که صفر» همگی گویای وضعیت بد مردم هستند. با استناد به گفته‌های خود اینها می‌توانید کتاب‌های داستانی و فیلم‌هایی را که در زمان شاه توسط کارگردان‌های سکولار شبه‌مدرنیست ساخته می‌شدند، می‌توانم بگویم که در زمان شاه تورم، بیکاری، فساد سیستم اداری، فاصله طبقاتی و باز تولید ناعادلانه ثروت وجود داشت. امریکایی‌ها همه کاره کشور بودند و بخش‌های اصلی ارتش ایران حتی بدون اطلاع شاه توسط امریکایی‌ها اداره می‌شد. حتی بخش‌هایی از ساواک و امنیت کشور هم توسط امریکایی‌ها اداره می‌شد. سلطه تمام عیار امریکایی‌ها در ایران وجود داشت و این‌ها موجب ناخشنودی سراسری جامعه ایران بود. جامعه ایرانی احساس می‌کرد فرهنگش لگدمال شده، استقلالش از دست رفته و وضعیت اقتصادی‌اش نابسامان و ناخشنودکننده و آزاردهنده است. این مسائل را در ادبیات داستانی، شعر، سینما، حتی در موسیقی پاپ دهه ۵۰ایران می‌توان حس کرد. بعضی از اشعار برخی از ترانه‌خوان‌های مبتذل کاپیاره‌ای که الان در خارج از کشور هستند، لبریز از احساس خشم، نارضایتی و ناخشنودی است. لذا مردمی که فضای قبل از انقلاب را لمس نکرده‌اند، راه دیگری برای شناخت آن دوره ندارند غیر از اینکه آثار هنری و ادبی آن دوره را مرور کنند. می‌خواهم بگویم اگر فضای قبل از انقلاب فضایی بود که باز تولید ثروت عادلانه بود و فقر وجود نداشت، پس چرا این‌ها این حرف‌ها را می‌زدند؟

تورم ۳۰ درصدی سال ۵۶ چقدر در گسترش دامنه اعتراضات مردمی و بروز نارضایتی‌ها تأثیر داشت؟

هوشنگ نهاوندی یکی از وزرای اقتصاد شاه که تازه وزیر اقتصاد در دوره اوج اقتصاد شبه‌مدرن در سال‌های ۱۳۵۳، ۱۳۵۴ شده بود، بعدها در مصاحبه با بی. بی. سی اذعان می‌کند ما در سال ۱۳۵۴ تورم ۳۰ درصدی داشتیم اما جرئت گفتنش به شاه را نداشتیم. لذا موضوع را به نصرت‌الله معینیان، رئیس دفتر شاه گزارش می‌دهد که او هم جرئت ندارد برود به شاه می‌گوید. در واقع خشونت، ناخشنودی و کم‌تحملی شاه به حدی است که حتی نمی‌شد به او گفت تورم ۳۰ درصدی در کشور وجود دارد. گزارش سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، روزنامه‌ها حکایت از آن دارد که کالاهایی چون نخبخرم، سبزی و گوشت به مبادی گمرکات کشور وارد شده است، ولی چون خط شوشه و راه‌آهن وجود ندارد، نمی‌توانند کالاهارا وارد کشور کنند و این‌ها در کشتی‌ها فاسد می‌شوند. این در حالی است که در شهر برای گوشت صف وجود دارد و در مرداد و اوج گرمای تابستان قطع برق هست. لذا آنچه «هن و تو» و «بی. بی. سی» و امثالهم می‌گویند و فضای ایده‌آلی که از قبل از انقلاب ترسیم می‌کنند سراپا دروغ و غیر واقعی است. ما با رجوع به آمار، مکتوبات، فیلم‌ها، گزارش‌ها و ادبیات داستانی آن زمان می‌توانیم بفهمیم که رژیم شاه و پروژه شبه مدرنیزاسیون ایران یک وضعیت کاملاًبحرانی ایجاد کرده بود و به همین دلیل هم انقلاب رخ داد. علاوه بر اینکه فساد اداری تمام عیار بود. حد انتقادها در اینک زمانه‌ها می‌شوند. این از قبل از انقلاب از مدیرکل رانمی‌توانستید رو کنید.

اما سلطنت‌طلبان با استناد به آمار فساد امروز برخی مسئولان معتقدند قساق آن دوران قابل مقایسه با امروز نیست؟
در جمهوری اسلامی فساد وجود دارد و فساد کلان هم هست، ولی همان فساد کلان در راه مقابله‌اش شناسایی خط نفوذ و مبارزه با جریان جنگ نرم به صورت جدی و تمام عیار است. علاوه بر اینکه در عرصه اقتصاد، فرهنگ و سیاست هم با جریان و جناح شبه مدرن نئولیبرال مقابله جدی و تمام عیار کنیم و کنترل سیاست‌گذاری و اهرم‌های اصلی را از دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خواهانه و باز توزیع عادلانه ثروت از نو متحول کنیم و در عرصه فرهنگی هم آرایش قوا را میان جریان جنگ نرم و جناح دست نئولیبرال‌ها در اقتصاد و فرهنگ خارج سازیم و ساخت اقتصاد شبه مدرن ایران را به صورت انقلابی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، آرمان‌گرایی و عدالت‌خوا